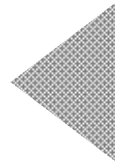


امکان‌سنجی اجرای راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ایران



هادی حکیمی^۱

حسین سعدلونیا^۲

علی میرزایی^۳

(تاریخ دریافت ۹۷/۷/۱۴ - تاریخ تصویب ۹۷/۸/۲۴)

چکیده

توانمندسازی که به‌عنوان راهبردی لیبرال در راستای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی توسط بانک جهانی مطرح شده است؛ قابلیت اجرای آن در ایران با پرسش مواجه است، بنابراین، پژوهش حاضر در راستای این مسئله درصدد امکان‌سنجی اجرای ابعاد و شاخص‌های گوناگون توانمندسازی می‌باشد تا بر این اساس مشخص گردد که چه ابعاد و شاخص‌های توانمندسازی امکان بیشتر برای اجرا در کشور ایران برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی را دارند. بعد از استخراج شاخص‌های توانمندسازی از منابع مختلف، این شاخص‌ها و زیرشاخص‌های آن‌ها به شکل پرسشنامه در ساختار روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) وارد شد و این پرسشنامه در میان ۳۰ نفر از خبرگان دانشگاهی و متخصصین اجرائی در حوزه‌های مسکن، توانمندسازی،

۱- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

Email: h.hakimi@tabrizu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۳- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

برنامه‌ریزی اجتماعی، برنامه‌ریزی شهری توزیع شد. نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که از ۶ بعد توانمندسازی، ابعاد تکنولوژیکی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و اجرایی دارای بیشترین امکان اجرایی شدن هستند. همچنین امکان اجرایی شدن زیر شاخص‌های هر بعد نیز به دست آمده است که زیر شاخص‌های ایجاد دسترسی گروه‌های مختلف به تکنولوژی‌های ارتباطی، آموزش اینترنت و رایانه به زنان، یادگیری تعاملی در آموزش زیست‌محیطی از طریق تجارب دست‌اول بیشترین امکان اجرا و اصلاح سازمان‌های مردم‌نهاد، توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و ارتقا توانمندی شهروندان در اعمال نظارت بر روی مقامات کمترین امکان اجرایی شدن را دارا هستند.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، سکونتگاه‌های غیررسمی، امکان‌سنجی، روش تحلیل سلسله مراتبی.

۱- مقدمه و بیان مساله

طبق گزارش دفتر اسکان سازمان ملل، سکونتگاه‌های غیررسمی دارای ویژگی‌هایی چون داشتن تراکم بالا، وجود مسکن غیراستاندارد، دسترسی ناکافی به آب و بهداشت و مالکیت نامطمئن هستند (Davis, 2006: 22-23). این سکونتگاه‌ها بعد از شروع انقلاب صنعتی پدید آمده‌اند و در نتیجه تغییر در ساختارهای کشورهای در حال توسعه به این کشورها نیز تسری پیدا کردند (حکیمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲؛ پیری و رضائیان، ۱۳۹۲: ۱). طبعاً اثرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی این نوع از شهرنشینی بر کالبد شهرها غیرقابل کتمان است (فنی و بشیری، ۱۳۸۸: ۲). با توجه به این موضوع، تلاش‌های انجام‌شده جهت بهبود وضعیت زیستی این سکونتگاه‌ها در کشورهای در حال توسعه، ضعیف و نامتناسب با شرایط چنین جوامع ارزیابی می‌شود (UN-Habitat, 2003, Introduction section, Para.2). لذا با توجه به این موضوع که این نوع سبک زندگی، بخش قابل توجهی از زندگی جامعه شهری را تشکیل می‌دهد لذا در راستای اثربخش بودن و سودمندی سیاست‌ها و راهبردهای ساماندهی این سکونتگاه‌ها که از مجامع جهانی الگوبرداری شده‌اند، امکان‌سنجی و آسیب‌شناسی اجرای آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

طرح مسئله پژوهش. در تحلیل پدیده اسکان غیررسمی چهار رویکرد نو لیبرال، رادیکال،

محافظه‌کار و اصلاح‌طلب قابل طرح است (Sarraf, 2002, as cited in Mohammadi, 83: 2010). که دو راهبرد رادیکال و نو لیبرال، بیشتر، توجه‌ها را به خود جلب کرده‌اند.

رویکرد محافظه‌کار به حذف این سکونتگاه‌ها اعتقاد دارد که مقاومت ساکنین را به همراه دارد. این دیدگاه، دیدگاه غالب در قبل از انقلاب اسلامی بوده است (Mohammadi, 2010: 85). که به دلیل شورش‌های اجتماعی و هزینه‌های انسانی، مالی، فرهنگی وارده بر دولت‌ها در نتیجه‌ی اعمال این دیدگاه به فراموشی سپرده شد (پیران، ۱۳۸۷: ۱۳).

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی سیاست‌های کلان اقتصادی نو لیبرال خود در بخش مسکن کشورهای درحال توسعه را عرضه داشته‌اند. این دو سازمان بین‌المللی که به منابع درآمدی متنوع و دسترسی به زمین معتقد هستند فعالیت‌های اقتصادی متنوع را متضمن افزایش درآمدها و دارایی‌هایی می‌دانند که فقرا را در مقابل شرایط زیستی ناامن توانمند می‌سازد (Victor, 2009: 22-23). در این رویکرد، سکونتگاه‌های غیررسمی، پدیده‌ای میرا و فانی دانسته می‌شود که در نتیجه توسعه جوامع دیگر اثری از این جوامع باقی نخواهد ماند. نقدی که بر این رویکرد وارد است این است که بی‌اعتنایی به میلیون‌ها نفر به امید واهی حل خودکار مصائب آن‌ها غیرقابل قبول است (Mohammadi, 2010: 85).

رویکرد رادیکال در پی یافتن راه‌حل اساسی و تغییر بنیادین ساختارهای سیاسی و اقتصادی است. این رویکرد بر این باور است که نظام‌های خرد، بدون اصلاحات نظام‌های کلان قابل اصلاح نیستند. بدین ترتیب طرفداران این رویکرد اعتقادی به ارتقای سکونتگاه‌های غیررسمی نداشته و تمرکز خود را بر سازمان‌دهی اجتماعی جنبش‌های سیاسی قرار می‌دهند (Mohammadi, 2010: 93). بر اساس این رویکرد راه‌حل‌های مقطعی، موردی، تخریب محور برای حل مشکل سکونتگاه‌های غیررسمی، پاسخگو نمی‌باشند (پیران، ۱۳۸۵: ۶).

رویکرد اصلاح‌طلب، باوجود علاقه به عدالت اجتماعی و تعادل منطقه‌ای بیش از اصرار به تغییری ناگهانی در سطوح کلان به تحول تدریجی در سطوح خرد، تمایل نشان می‌دهد. بنابراین در این رویکرد نباید پرداختن به راه‌حل‌های ساختاری به معنی غفلت از رنج و فقر موجود باشد (دانشجو و اسلامی، ۱۳۸۹: ۶).

در اواخر دهه ۱۹۸۰، در اثر نقد سیاست‌های نو لیبرال مسکن و به‌طور کلی سیاست‌های

آزادسازی، بانک جهانی و مرکز اسکان سازمان ملل متحد، راهبرد توانمندسازی^۱ را ارائه دادند (اطهاری، ۱۳۷۵: ۵ به نقل از پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۲-۱۳۱). تأکید این روش بر این است که افراد و گروه‌های فاقد مسکن مناسب را در ساخت و بهبود مسکن قادر می‌سازد (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۲). در راهبرد توانمندسازی فقرا با وجود اهمیت توانمندسازی سیاسی و ظرفیت‌سازی مشارکتی، توانمندسازی اقتصادی محوریت می‌یابد که بر رشد از درون، دربرگیرنده و بهره‌مند کننده عادلانه تأکید دارد (صرافی، ۱۳۸۱: ۱۰) به نقل از (ایران‌دوست، ۱۳۸۷: ۶). این راهبرد بر ایجاد و گسترش بنگاه‌های کوچک، استفاده از تکنولوژی‌ها در این بنگاه‌ها، ایجاد فرصت ورود به بازار بنگاه‌ها، ایجاد انجمن برای بنگاه‌های کوچک و بازرگانان، آموزش فنی و حرفه‌ای، مدیریتی و رهبری مردم، حمایت و ارتقاء کشاورزی شهری، حمایت از یکپارچگی اجتماعی گروه‌های آسیب‌پذیر، بهبود دسترسی به منابع مالی، ایجاد انگیزه جهت خرید کالاها و خدمات بخش غیررسمی تأکید دارد (Jinchang, 1998: 40). چهارعنصر اصلی توانمندسازی، دسترسی به اطلاعات، برخورداری و مشارکت، ظرفیت سازمانی محلی و مسئولیت است (Narayan, 2002: 18). راهبرد توانمندسازی درواکنشی انتقادی به وضعیت اسف‌بار مسکن در شهرها، شامل دسترسی به تأمین منابع مالی و اعتباری، زیرساخت‌های پایه و خدمات و به رسمیت شناختن و حق مالکیت است (پیری و رضاییان، ۱۳۹۳: ۴). سیاست‌های تفویض اختیارات^۲، تمرکززدایی^۳ و مقررات زدایی^۴ مرتبط با این راهبرد، می‌باشند (UN-HABITAT, 2003: 131). در این راهبرد، قبل از این که طرح‌های مهندسی طرح شوند، فرایندهای ساختاری برای فعال کردن اجتماعات محلی طراحی شده و هرگز مردم را به صورت منفعلانه در برابر طرح‌هایی قرار نمی‌دهد که به آن‌ها بی‌توجهی می‌کنند (دانشجو و اسلامی، ۱۳۸۹: ۶).

در طول دهه ۱۹۹۰ هم شاهد تغییر نگرش از تمرکز فنی بر زیرساخت و محیط‌زیست به راهبرد کلی که شامل توسعه اجتماعی و ظرفیت‌سازی بودیم. این رویکرد بر ارتقای حکمروایی شایسته،

۱- Enabling Strategy

۲-Devolution

۳- Decentralization

۴- Deregulation

اشتغال‌زایی، ظرفیت‌سازی و تقویت نهادها از طریق پیوند میان بخش خصوصی، جامعه مدنی و دولت است. این دیدگاه که منتج از سیاست‌های شهری بانک جهانی است شامل چهار هدف است:

۱- افزایش شناخت از مسائل شهری؛

۲- افزایش قابلیت تولید شهری؛

۳- حذف فقر شهری؛

۴- حفاظت از محیط‌زیست (Codina, 2004: 66).

توانمندسازی در سطح جهانی توانسته است به بعضی موفقیت‌ها دست یابد ولی قابلیت اجرای آن در همه کشورها و شاید کشور ایران با علامت سؤال روبرو است. سؤالی که قابل طرح است؛ این است که راهبرد مذکور در ایران قابلیت اجرا را دارد؟ و اگر دارد کدام ابعاد و شاخص‌های آن قابلیت را بیشتر دارد؟

پرسش اصلی پژوهش. میزان اجرایی شدن ابعاد و شاخص‌های راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ایران وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش. با توجه به مسائل موجود در سکونتگاه‌های غیررسمی و گسترش سریع این سکونتگاه‌ها و احتمال نارضایتی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در این مناطق، وجود سیاست، راهبرد و طرح‌های مؤثر برای ارتقاء این جوامع ضروری به نظر می‌رسد. یکی از این راهبردها همان‌طور که ذکر شد راهبرد توانمندسازی است. لذا امکان‌سنجی اجرای توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، به‌عنوان راهبردی موفق در کشورهای دیگر لازم به نظر می‌رسد. به‌طور کلی امکان‌سنجی هر سیاست و راهبردی لازم به نظر می‌رسد. لذا در این صورت در روند اجرای آن با مشکل روبرو خواهیم شد. بر این اساس، با مطالعه امکان‌سنجی ابعاد و شاخص‌های توانمندسازی بهتر می‌توانیم موانع مربوط به عملیاتی شدن این ابعاد را رفع کنیم و اجرای آن را تسهیل کنیم

۲- ادبیات نظری و پیشینه موضوع

۲-۱- ادبیات نظری

۲-۱-۱- توانمندسازی

خاستگاه‌ها و منابع الهام از مفهوم توانمندسازی را در حوزه‌های مختلفی چون فمینیسم، روان‌شناسی فرویدی، الهیات، جنبش سیاهان و مدیریت بازرگانی می‌توان یافت (Simon, 1994:36; Cornwell and Brock, 2005:4; Lutterel&etal, 2009: 2). دهه ۱۹۷۰ و به‌ویژه قبل از به چاپ درآمدن کتاب «توانمندسازی سیاه‌پوستان: عمل اجتماعی در جوامع تحت ستم»^۵ در سال ۱۹۷۶ توسط باربارا سولومون^۶، به راهنما و هدایت‌گر پژوهش‌ها نبود، باین‌وجود این اصطلاح به‌صورت رسمی توسط تأمین‌کنندگان خدمات اجتماعی و پژوهشگران در زمینه وارد عرصه عمل گردید (Calves, 2009: 4).

در مدیریت که یکی از خاستگاه‌های توانمندسازی است، تقاضای بالا برای کیفیت زندگی در محل کار و محل زندگی، وسعت یافتن اقتصاد جهانی، نابرابری‌ها در نظام اقتصاد جهانی، تقاضا برای ارزش بالای پول و درنهایت رکود بین‌المللی مدیران را بر آن داشته است که با استفاده از خلاقیت، هوش و نوآوری در تمام سطوح و آموزش متحد ساختن کارگران جهت حل مشکلات مشترک به اهداف خود دست یابند (Nixon, 1994: 1). تعابیر و تعاریف متعددی از توانمندسازی به دلیل کاربردهای وسیع آن وجود دارد. باین‌وجود این اصطلاح، عمدتاً در حوزه مسائل توسعه به کار گرفته می‌شود و کمتر تعریفی از آن ارائه شده است (Oxaan& Baden, 1997: 4).

گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۵ با تأکید بر مشارکت، بر توانمندسازی چنین می‌نگرد «توسعه می‌بایستی توسط مردم و نه فقط برای آن‌ها باشد. مردم می‌بایستی در تصمیمات و فرایندهایی که سازنده زندگی‌شان است، مشارکت داشته باشند» (UNDP, 1995:12).

۵- Black Empowerment

۶- Barbara Solomon

از دید آکسفام^۷ (۱۹۹۵) و سالومون^۸ (۱۹۷۶) توانمندسازی را چالشی بر اشکال ظلمی که میلیون‌ها انسان‌ها را وادار به انجام کارهای غیرمنصفانه می‌کند یا حقوق بشر آن‌ها را انکار می‌کند؛ می‌باشد (Saden, 1997: 73; Oxfam, 1995 as cited in Oxaan & Baden, 1997: 2).

تارنمای بانک جهانی چنین تعریفی از توانمندسازی ارائه می‌دهد: توانمندسازی، فرایند افزایش ظرفیت افراد و گروه‌ها برای انجام انتخاب‌ها، دگرگونی انتخاب‌هایشان به کنش‌ها و برآیندهای مطلوب است (World Bank, 2015). برخی از تعابیر توانمندسازی، آن را در ارتباط با تفویض اختیار^۹ مقایسه می‌کنند. نانسی فوی^{۱۰} (۱۹۹۴) با ارائه مثالی جالب توجه، تفاوت این دو را نشان می‌دهد. وی اظهار می‌دارد که اگر شما به دختر ۱۲ سالتان، مبلغی جهت خرید شلوار جین دهید، این کار شما تفویض اختیار کردن^{۱۱} است. ولی اگر به وی کمک‌هزینه خرید لباس دهید تا متناسب با انتخاب‌های خود، خرج نماید؛ این کار شما، توانمندسازی است (Lashley, 2001: 2).

۲-۱-۲- رویکردهای توانمندسازی

توانمندسازی، هدف اصلی بسیاری از سازمان‌هاست، اما این مفهوم همچون قدرت، می‌تواند معانی و تفاسیر متعددی از جنبه‌های مشارکت فردی و جمعی، ظرفیت، استقلال و آزادی داشته باشد (Pettit, 2006: 6). توانمندسازی در مفهوم عام خود سه جنبه کلی را در برمی‌گیرد: اول در چارچوب توانمندسازی بازار، که در تبعیت از سیاست‌های نئولیبرالیسم، دخالت فعال دولت در تخصیص و تولید کالا و خدمات و کنترل برای ایجاد اشتغال و استفاده از درآمدها و یارانه‌ها برای ایجاد رقابت فراگیر و دسترسی برابر به خدمات را به همراه داشت. در اینجا کنترل برنامه‌ریزی برای دستیابی اهداف توسعه در شهر و تأمین منافع ملی و حمایت از مصرف‌کننده در برابر بازار مورد توجه است. دومین شکل توانمندسازی، توانمندسازی سیاسی

۷- Oxfam

۸- Solomon

۹- Delegation of authority

۱۰- Nancy Foy

۱۱- Delegation

است که دگرگونی ساختار و کارکردهای محلی را در ارتباط با بازار و اجتماع دنبال می‌کند. توانمندسازی سیاسی از راه تمرکززدایی اداری - اجرایی، اصلاح نهادی و مدیریتی، به‌کارگیری سازمان‌های غیردولتی و نیز برگزیدن راهبردهای توانمندسازی بازار و اجتماع، در پی رفع موانع سیاسی و اجرایی است. توانمندسازی سیاسی عمدتاً با مفهوم حکمروایی خوب پیوند می‌خورد که از سوی بسیاری از مؤسسات بین‌المللی ترویج می‌شود. حکمروایی خوب نیز مستقیماً با برنامه‌هایی که کارایی و اثربخشی بیشتری در استفاده از منابع از طریق تعدیل ساختاری مدیریت دولتی دنبال می‌شود، در ارتباط است. سومین شکل توانمندسازی، توانمندسازی اجتماع محلی است که از سوی دولت‌های محلی و ملی برای هماهنگی و تسهیل کوشش‌های سازمان‌های اجتماع محلی و محله محور برای نوآوری، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های آن‌ها از راه اصولی همچون تعیین هدف و مسیر توسط خوداجتماع^{۱۲}، سازمان‌دهی توسط خوداجتماع^{۱۳} و مدیریت فرایند توسط خوداجتماع^{۱۴} دنبال می‌شود (Burgess, et al, 1997: 144).

الف - توانمندسازی اجتماعی

توانمندسازی اجتماعی در پی تغییر جامعه (به‌طور مثال تغییر در هنجارهای جنسیتی) است تا افراد خود را در جایگاهی قرار دهند که مایل هستند، نه جایگاهی که به آن‌ها دیکته می‌شود. حس استقلال و کرامت انسانی برای مشارکت در سیاست‌ها، تقاضای دستمزد عادلانه، بهره‌برداری کامل از خدمات عمومی همچون سلامت و آموزش لازم است (Pettit, 2012: 5).

توانمندسازی به‌وسیله کیفیت مشارکت مردم در تصمیمات و فرایندهای تأثیرگذار در زندگی‌شان مشخص می‌شود. در نظریه، توانمندسازی و مشارکت دو روی یک سکه هستند (Oxfam, 1995: 1). رویکردی از توانمندسازی در زمینه سازمان‌های توسعه سلسله مراتبی ممکن است سخت به نظر برسد که در آن‌ها فرهنگ‌های سازمانی علیه مشارکت و

۱۲- Self Determination

۱۳- Self Organization

۱۴- Self Management

استقلال در تصمیم‌سازی هستند، از این منظر فرایند مشارکت به‌خودی‌خود می‌تواند توانمند ساز باشد (Oxall and Baden, 1997: 11). ارتقاء مشارکت در سیاست‌های رسمی جهت توانمندسازی نیازمند برنامه‌های فراگیر دموکراتیک کردن و حکمروایی خوب با تأکید بر جامعه مدنی در حال توسعه است.

اخیراً تلاش‌های معطوف به ارتقاء حکمروایی ناظر بر سازوکارهای عمودی، قابلیت اعتماد جهت تشویق مشارکت میان شهروندان علی‌الخصوص شهروندان ضعیف می‌شود. بدین منظور، نیازمند ایجاد سیاست عمومی مشارکتی، بودجه‌ریزی مشارکتی، پیش‌بینی هزینه عمومی و ارزیابی تحویل خدمات عمومی است (Beck and et al, 2007: 1).

حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد، رویکردی فراگیر برای ارتقاء توانمندسازی است که ابعاد مختلف توانمندسازی را تحت پوشش قرار می‌دهد (Beck and et al, 2007: 11). این سازمان‌ها به طرق مختلف از جمله اختصاص بودجه، دخالت در ارائه خدمات و ظرفیت‌سازی، آگاهی بخشی و ترویج خودسازمان‌دهی گروه‌های مختلف به کاهش آلام انسانی و توسعه کشورهای فقیر کمک می‌کنند (Nikkhah and Redzuan, 2010:1). همچنین این سازمان‌ها می‌توانند سکویی برای بیان منافع گروه‌های در حاشیه باشند.

مشارکت در سازمان‌های شبکه‌ای می‌تواند بر اساس منافع فردی یا کارایی تحریک شود. به‌طور کلی جامعه مدنی که در حوزه حل مسائل محلی است، سبب پیوند نهادهای سیاسی و جامعه، تقویت دموکراسی، شفافیت و پایش مردمی می‌شود (Amdam, 2011: 42-53).

اگر توانمندسازی به‌عنوان یک خط‌مشی اتخاذ شود، می‌بایستی به‌واسطه پروژه‌ها و برنامه‌ها انجام شود؛ می‌بایستی بین ملزومات توانمندسازی و ساختارهای نهادی ارتباط برقرار شود (Oxall and Baden, 1997: 11). همچنین، نوآوری در فناوری‌ها جهت مدیریت ارتباطات و اشتراک اطلاعات، پیش‌ران‌های قدرتمندی جهت تغییر اجتماعی بوده‌اند. فناوری همچنین ابزارهای نوآورانه برای سطحی وسیع‌تر از مشارکت و آگاهی‌سازی فراهم آورد (Dokeyniya, 2006: 1).

چهار جنبه اجتماعی توانمندسازی که مستلزم اصلاحات نهادی است:

دسترسی به اطلاعات: شهروندان آگاه، بهتر می‌توانند به فرصت‌ها و خدمات دست‌یافته، قدرت خود را اعمال کرده و پاسخگویی بازیگران دولتی و غیردولتی را سبب شود. نواحی مهمی که نیاز به اطلاعات در آن‌ها ضروری است، بخش دولتی و عمومی، بازار و قوانین و حقوق مرتبط با خدمات پایه می‌باشند.

مشارکت / بر خورداری: برای پایداری مشارکت و برخورداری فقرا نیاز به تغییر قوانین و فرایندهایی است که فضایی را برای انسان‌ها جهت بحث کشیدن مسائل، مشارکت در سطح محلی و ملی، ساماندهی بودجه و دسترسی به خدمات مالی و خدماتی فراهم می‌آورد.

پاسخگویی: مأموران دولتی، کارمندان بخش عمومی، سرمایه‌گذاران و کارمندان بخش خصوصی و سیاستمداران می‌بایستی در برابر سیاست‌ها و اقدامات خود که بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیرگذار است، پاسخگو باشند.

ظرفیت سازمانی محلی: این امر به توانایی مردم در همکاری با یکدیگر، خودسازمان‌دهی و تجهیز منابع جهت حل مسائل مشترک برمی‌گردد. جوامع و گروه‌های سازمان‌دهی شده تمایل به شنیده شدن صداهایشان و رفع نیازهایشان دارند (Narayan, 2002:XX; Roy and Sideras, 2006: 12).

ب- توانمندسازی اجرایی

توانمندسازی اجرایی که ناظر بر برابری بازنمایی در نهادهای سیاسی و شنیدن آرای متفاوت و مشارکت دادن افراد در تصمیم‌سازی‌های مؤثر بر زندگی آن‌هاست. چنین تغییراتی نیازمند تغییر در گرایش‌های اجتماعی و فرهنگی در مورد مشارکت گروه‌های مختلف در مشارکت و مدیریت است (Pettit, 2012: 5). سازوکارهایی که می‌توان جهت افزایش مشارکت در زندگی سیاسی به کار گرفت شامل:

- اصلاح احزاب سیاسی دیگر اشکال کنش ایجابی؛

- آموزش جهت توسعه توانمندی‌های گروه‌ها؛

- توسعه سازمان‌های سیاسی (Oxall and Baden, 1997: 16).

انتقال قدرت به دولت محلی که بخشی از دموکراتیک کردن و دستور کار حکمروایی را شکل می‌دهد، فرصتی را برای بیان منافع گروه‌ها مستقل از سیاست‌های حزبی و دولتی پدید می‌آورد. افزایش تعداد گروه‌ها در مناصب قدرت به معنای سطح بالای توانمندی نیست (Oxfam)

(12: 1996).

ج- توانمندسازی اقتصادی

توانمندسازی اقتصادی ناظر بر ظرفیت افراد جهت کمک به فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌بردن از آن به شکلی است که ارزش کارشان، کرامت انسانی‌شان و توزیع عادلانه‌تر درآمد را بازتاب دهد (Pettit, 2006: 5). در این مرحله، تأمین معاش پایدار از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. فراهم نمودن زمینه اشتغال با توجه به شرایط محلی و بومی و فعال نمودن زنان می‌تواند مورد توجه قرار گیرد (مهندسین مشاور آمایشگران توسعه متوازن، ۱۳۸۴: ۲۸).

رشد اقتصادی به‌واسطه درآمدهای بالا می‌تواند، عاملیت را جهت دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های گسترده توانمند سازد. توانمندی گروه‌های فقیر به‌واسطه افزایش در درآمد آن‌ها می‌تواند قدرت چانه‌زنی‌شان را بالا ببرد (World Bank, 2012:17-18). از نظر بانک جهانی، کنترل زنان بر منابع اقتصادی می‌تواند بر پویایی جنسیتی آن‌ها تأثیر بگذارد (World Bank, 2012:20).

برنامه‌های اعتباری خرد^{۱۵} که مدعی توانمندسازی هستند به‌شدت در میان خیرین و سازمان‌های مردم‌نهاد متداول شده‌اند. شاهد تغییر رویه از کمک‌های بلاعوض ملی هستیم که در آن‌ها، مردم را با بخش رسمی بانکداری پیوند می‌دهد و آن‌ها را در جریان توسعه وارد می‌کند (Oxall and Baden, 1997: 12).

تأکید بر ارتقاء بخش غیررسمی اقتصادی، ناتوان از مشاهده عوامل ساختاری است که موجب به حاشیه رانی اقتصادی فقرا می‌شود (Goetz and Gupta, 1996: 26).

برای تأمین مالی بهتر است، تغییرات نهادی را در بخش مادی جهت کاهش هزینه‌های تراکنش و تحویل اعتبار کوچک مقیاس صورت گیرد (Oxall and Baden, 1997: 23).

د- توانمندسازی حقوقی

مفهوم توانمندسازی حقوقی که از اوایل دهه ۲۰۰۰ ظهور پیدا کرد زمانی به وقوع می‌پیوندد که فقرا یا افراد در حاشیه مانده از قوانین، دستگاه‌های حقوقی و مکانیزم‌های عدالت برای ارتقا یا دگرگونی وضعیت اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی بهره ببرند (Domingo and O'Neil, 2014: 4). توانمندسازی حقوقی درصدد تقویت ظرفیت تمامی انسان‌ها برای استفاده از حقوق خود چه به‌عنوان افراد یا اعضا است. این نوع از توانمندسازی در مورد عدالت در ارتباط با توده‌ها است (Open Society, 2012: 1). کمیسیون توانمندسازی حقوقی فقرا سه قلمروی توانمندسازی و حقوق مرتبط ضروری زندگی فقرا که حقوق مالکیت، حقوق کار و حقوق خوداشتغالی و کسب‌وکار هستند تدوین نمود. مبنای این حقوق دسترسی به عدالت به‌منزله مؤلفه‌ای از حاکمیت قانون است (United Nations, 2009: 4,7).

در برخی از کشورها انتظاراتی از قوانین در راستای توانمندسازی وجود دارد که بدین ترتیب است:

تغییرات حامی فقرا در سیاست، قوانین و قاعده‌مند ساختن تخصیص منابع و ارائه خدمات در بخش‌های مختلف (همچون: بهداشت، آموزش و آب)؛

جبران تخطی در احقاق حقوق و نابرابری‌ها و دگرگون‌سازی روابط با توجه خاص به گروه‌های در حاشیه (همچون: زنان، جنبش‌های بومی)؛

مقابله با بی‌عدالتی یا توزیع غیرقانونی منابع (در ارتباط با زمین یا استخراج منابع ملی) و

ارتقا توانمندی شهروندان در اعمال نظارت بر روی مقامات (از جمله اشکال پاسخگویی اجتماعی به‌واسطه اقامه دعوی حقوقی) (Domingo and O'Neil, 2014: 4).

و- توانمندسازی زیست‌محیطی

مشارکت مردم محلی در تصمیمات مربوط به مسائل زیست‌محیطی حس مشارکت محلی را تقویت می‌کند که می‌تواند نتایج حائز اهمیتی را به بار بیاورد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های

توانمندسازی آموزش است که از طریق آموزش جامعه می‌توانیم آگاهی زیست‌محیطی را افزایش دهیم. آموزش زیست‌محیطی امکان تغییر رفتارها و تصمیم‌گیری‌های عالمانه را در میان نوجوانان و جوانان را فراهم می‌کند (Bertin and et al. 2010: 8-9). در میان روش‌های تدریس، یادگیری تعاملی و افقی رویکردهایی هستند که می‌توانند موجب افزایش آگاهی زیست‌محیطی شوند. یادگیری تعاملی کسب دانش از طریق تجارب دست‌اول و به‌کارگیری ابزار و رایانه است (Beam, 2010: Para. 3).

ی- توانمندسازی تکنولوژیکی

تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی در تمامی جنبه‌های زندگی از رادیوهای محلی در اکثر روستاهای جهان تا تلفن‌های همراه در دستان زنان و مردان تمامی کشورها تا رایانه‌های در اغلب سازمان‌های متوسط و بزرگ نفوذ پیدا کرده است و یکی از نیازهای عمده جوامع بشری است. از تکنولوژی و به‌ویژه ICT می‌توان برای کاهش فقر، ایجاد اشتغال و به‌طور کلی توسعه اقتصادی و همچنین یکپارچگی اجتماعی بهره برد (Mathiason; Berkowsky, 2012: 1). با وجود این، هم‌اکنون ما با عدم دسترسی به این تکنولوژی‌ها، عدم داشتن آشنایی و سواد تکنولوژیکی، عدم طراحی نسبت به نیازهای برخی گروه‌ها و به‌ویژه زنان مواجه هستیم (Melhem and et al, 2009: 1). کوفی عنان دبیر کل سابق سازمان ملل در سخنرانی ۱۰ دسامبر ۲۰۰۳ این موضوع را شکاف دیجیتال می‌داند که شکافی است که در زیرساخت‌ها و همچنین محتوای وب‌سایت تبلور می‌یابد. اطلاعات وب‌سایت‌ها نیازهای واقعی مردم را تأمین نمی‌کنند. ۷۰ درصد وب‌سایت‌ها به زبان انگلیسی هستند و همچنین شاهد شکاف جنسیتی هستیم که زنان در دسترسی به اطلاعات با مشکل روبرو می‌شوند (United Nations, 2005: 2).

اهمیت تکنولوژی در توانمندسازی به‌اندازه‌ای است که مفهومی با عنوان توانمندسازی الکترونیکی توسط اتحادیه بین‌المللی مخابرات ارائه شد که اشاره به توانمند ساختن مردم به‌واسطه تکنولوژی‌های اطلاعاتی ارتباطی (ICT) دارد (United Nations, 2013: 1). از ICT می‌توان در تدوین دستور کار، آماده کردن سیاست‌ها، تصمیم‌گیری، اجرای سیاست‌ها و ارزشیابی آن‌ها بهره برد (Dijk, 2009: 12). سازمان یونسکو دارای استراتژی در مورد برابری جنسیتی است که تضمین‌گر دسترسی زنان و دختران به ICT و آموزش آن است که به زنان و

دختران امکان ورود به تخصص‌های مرتبط با تکنولوژی را فراهم می‌کند و همچنین کتابخانه‌های مختلفی در شهرهای جهان دسترسی و آموزش اینترنت و رایانه را برای زنان فراهم ساخته‌اند (Beyond Access, 2012: 1-2).

۲-۱-۳- توانمندسازی و سکونتگاه‌های غیررسمی

راهبردهای توانمندسازی سکونتگاه‌ها، بایستی پاسخی به دو چالش اساسی داشته باشد: چگونگی رسیدگی به مشکلات بر خواسته از میان جمع کثیر فقرا و همچنین چگونگی ارائه استقلال مؤثر برای گروه‌های اجتماع‌محور. پاسخ‌دهی به چالش اول، بدون اتخاذ رویکردی وسیع ممکن نیست و پاسخ به سؤال دوم نیز، در سطح محلی ممکن است. از این رو راهبرد توانمندسازی سکونتگاه‌ها، بایستی نوآوری‌های محلی را با راه‌حل‌های وسیع ترکیب کند (UN-Habitat, 1987: 44).

اهداف توانمندسازی در تطابق با اهداف توسعه پایدار انسانی است بدین شکل که کیفیت زندگی بهتر برای تمامی انسان‌ها به این معنی است که انسان‌ها به قدرت بیشتری دست می‌یابند. به‌منظور دستیابی به این امر مأموریت ناتمام شامل غلبه بر فقر، رسیدن به امنیت غذایی، افزایش اثربخشی اقتصادها و دولت‌ها، تشویق همیاری منطقه‌ای، افزایش مشارکت تمام آحاد مردم می‌شود (IDC, 1996 as cited in Lee, 2001:400).

نگرشی که تحت عنوان توانمندسازی دسته‌بندی شده است، شامل مجموعه نظریه‌هایی است که اصولاً با بنیادها، ریشه‌ها و عوامل دخیل در شکل‌گیری اسکان غیررسمی کاری ندارد؛ بلکه این پدیده را به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته و به دنبال راهکارها و راه‌حل‌های بهینه‌سازی شرایط زندگی و سکونت در این مناطق هستند. این دیدگاه با مرور سه دهه تجربه‌های برخورد با این سکونتگاه‌ها و بازتاب‌های آن، اصولاً تغییر بنیادین در نظام اقتصادی-اجتماعی را ناممکن می‌داند و با چنین زاویه نگرشی متوجه راهکارها و راه‌حلهایی است که به‌صورت خودجوش و خودانگیخته از متن زندگی و سکونت اقشار کم‌درآمد برآمده است. این دسته نظریه‌ها، راه‌حل‌هایی مبتنی بر توانمندسازی و ساماندهی و بهسازی کانون‌های حاشیه‌ای را هدف قرار می‌دهد.

از جمله موارد مهم که در ارتقاء این گونه مسکن مهم می‌باشد عبارتند از:

سیاست خانه‌سازی با برنامه؛

بازنگری قوانین در بخش عرضه زمین شهری؛

ارتقاء کیفیت اعتبارات بخش خانه‌سازی؛

ایجاد خدمات و زیرساخت‌ها؛

اسکان مجدد در بخش داخلی شهرها و حمایت از ایجاد خانه‌های اجاره‌ای در این بخش از شهر؛

به حداقل رساندن اسکان مجدد (دادن مسکن در مکانی دیگر) اقشار کم‌درآمد؛

کمک‌ها و حمایت‌های هدفمند.

مشوق‌ها برای بخش‌های خصوصی تجاری و غیرتجاری جهت توسعه زیرساخت‌هاست که می‌تواند شامل طراحی، فعالیت‌های ساختمان‌سازی، تولیدات مصالح ساختمانی و اعتبارات خانه‌سازی باشد (Ernesto, 1994: 19-20).

۲-۲- پیشینه پژوهش

با بررسی پیشینه تحقیق به این نتیجه رسیدیم که تحقیقی در مورد امکان‌سنجی اجرای راهبرد توانمندسازی در جغرافیای سکونتگاه‌های غیررسمی ایران انجام نشده است.

آبت^۶ (۲۰۰۱)، در تحلیل ارتقاء سکونتگاه‌های غیررسمی و نقد رویکردهای روش‌شناختی موجود به شناسایی سه رویکرد موضوعی که شامل مدل تدارک زیرساخت فیزیکی، خرد برنامه‌ریزی اجتماع محلی و گذار فیزیکی در طرح کل گراست، می‌پردازد. درنهایت با مقایسه این رویکردها به تحلیل نقاط ضعف و قوت آن‌ها می‌پردازد.

هوکزمایر^{۱۷} (۲۰۰۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان مسکن برای نیازمندان: سیاست مسکن مورد مناقشه در آفریقای جنوبی در سیاست جدید مسکنی که از سال ۱۹۹۴، شکافی بین روند ساخت مسکن و گروه‌های هدف، منجر به این گشت که نیازمندان از دست‌یابی به مسکن محروم بمانند. این مقاله سعی در نشان دادن تضاد بین کالایی کردن مسکن توسط بخش خصوصی و رویه مردم مدار جنبش دموکراتیک دارد.

هوکزمایر^{۲۰۰۳}، در بررسی جنبه‌های سیاستی سکونتگاه‌های غیررسمی در آفریقای جنوبی؛ با توجه به تقاضا برای ارتقای سکونتگاه‌های غیررسمی در آفریقای جنوبی، این مقاله به بررسی

۱۶- Abbott

۱۷- Huchzermeyer

شکاف در پژوهش‌ها، سیاست‌های مسکن غیررسمی و موانع سیاسی را تبیین کرده و راه‌حل مقابله با آن‌ها را بیان می‌دارد.

ویکتور^{۱۸} (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای تحت عنوان چالش‌های حذف سکونتگاه‌های غیررسمی در آفریقا از سال ۲۰۱۴ به شناسایی موانعی که بر معیشت، حکمروایی خوب، امنیت مالکیت و پایداری اعضای اجتماع، تأثیر منفی بر جای می‌گذارد؛ می‌پردازد. نتایج تحقیق بر اساس مصاحبه، مشاهدات و بازدید از محل، حاصل شده است.

سوبوتوا^{۱۹} (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان چالش‌های فراروی توسعه مشارکتی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری؛ اقدامات صورت گرفته در مورد سکونتگاه‌های غیررسمی و عوامل مؤثر بر موفقیت این طرح‌ها را شناسایی کرده است.

فیهر^{۲۰} (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان مشارکت در ارتقاء سکونتگاه‌های غیررسمی: مطالعه موردی شهر پونه؛ که هدف این پژوهش، پاسخ به این است که رویکرد ذی‌نفعان به مشارکت در مناطق حاشیه‌نشین جهت ارتقای این سکونتگاه‌ها چگونه است و چگونه می‌توان این مشارکت را افزایش داد. برای پاسخ به این سؤالات از روش مصاحبه و مشاهده استفاده گردیده است.

خلیفه^{۲۱} (۲۰۱۵)، در ارزیابی استراتژی‌های ارتقای سکونتگاه‌های غیررسمی در مصر: از مسامحه تا توسعه مشارکتی به مطالعه پیش‌شرط کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته می‌شود. از روش مصاحبه با ذی‌نفعان و بررسی اسناد استفاده شده است. مهم‌ترین عوامل موفقیت پروژه‌های ارتقاء، دسترسی به بودجه و انگیزه سیاسی بوده است.

پیری و رضایان^{۱۳۹۳}، به امکان‌سنجی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست‌های دارایی مبنای توسعه اجتماعی مطالعه موردی سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهر تبریز با استفاده از پرسشنامه و طیف لیکرت انجام شده نتایج حاکی آن است که مؤلفه‌های سیاست دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی (سرمایه اجتماعی، سرمایه کالبدی و سرمایه مالی) در

۱۸- Victor

۱۹- Sobotova

۲۰- Fyhr

۲۱- Khalifa

توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر معنی‌داری دارد.

۳- روش‌شناسی و مدل تحلیلی پژوهش

۳-۱- روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی- توسعه‌ای است که نتایج قابل‌استفاده برای حل مسئله است و از لحاظ ماهیت و روش توصیفی- تحلیلی است. منطق مورد‌استفاده در تحقیق، منطق استقرایی است که بر اساس یافته‌های جزئی به نتایج کلی اقدام می‌کند ابزار پژوهش، پرسشنامه پژوهش ساخت در قالب روش تحلیل سلسله‌مراتبی است که شاخص‌های برگرفته از مبانی نظری در ساختار این روش وارد کرده است.

نتایج حاصل از مطالعه قابلیت اجرایی داشتن راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ایران بر اساس دیدگاه‌ها و نظرات صاحب‌نظران حوزه توانمندسازی با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice 11 از روش بردا، تلفیق دیدگاه‌های کارشناسان خبره به تعداد ۳۰ نفر انجام گرفت، آنالیز شد. در مدل AHP استفاده‌شده؛ به‌منظور سنجش روایی پرسشنامه از روش مقایسه با معیار و هم‌چنین از نظرات متخصصین امر به‌ویژه اساتید خبره در مورد این موضوع استفاده‌شده است و برای سنجش پایایی پرسشنامه، از مناسب‌ترین روش؛ یعنی آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضریب پایایی کل شاخص‌ها برابر ۰.۸۹ می‌باشد. قابل‌اجرا بودن راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ایران، به انجام مقایسات زوجی هر یک از ابعاد، شاخص‌ها و زیر شاخص‌ها، مقایسه و محاسبه وزن نسبی و نهایی آن‌ها نسبت به هدف نهایی پرداخته شد.

۳-۲- مدل تحلیلی پژوهش

معیارهای تصمیم‌گیری در این تحقیق مبتنی بر امکان‌سنجی اجرای راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ایران، در شش ابعاد کلی بعد اجتماعی(تشویق مشارکت شهروندان، داشتن سیاست عمومی مشارکتی، داشتن بودجه مشارکتی، حمایت از جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد، ظرفیت‌سازی، آگاهی بخشی، ترویج خودسازمان‌دهی، تغییر در ساختار نهادی جهت تطبیق آن با توانمندسازی، پاسخگویی مسئولین دولتی)، بعد اجرایی(اصلاح سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای توانمندسازی سکونتگاه‌های رسمی، آموزش جهت توسعه

توانمندی‌های گروه‌ها، توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد، انتقال قدرت به دولت محلی، افزایش تعداد افراد گروه‌ها در مناصب)، بعد اقتصادی (فراهم نمودن زمینه اشتغال با توجه به شرایط محلی و بومی، برنامه‌های اعتباری خرد، کنترل زنان بر منابع اقتصادی، تغییرات نهادی برای تحویل اعتبارات کوچک‌مقیاس)، بعد حقوقی (قاعده‌مند ساختن تخصیص منابع و ارائه خدمات در بخش‌های مختلف، تغییرات حامی فقرا در سیاست و قوانین، مقابله با بی‌عدالتی یا توزیع غیرقانونی منابع، ارتقا توانمندی شهروندان در اعمال نظارت بر روی مقامات، جبران تخطی در احقاق حقوق و نابرابری‌ها و دگرگون‌سازی روابط با توجه خاص به گروه‌های در حاشیه)، بعد زیست‌محیطی (افزایش آگاهی زیست‌محیطی از طریق آموزش، یادگیری تعاملی در آموزش زیست‌محیطی از طریق تجارب دست‌اول، استفاده از ابزار و رایانه در آموزش)، بعد تکنولوژیکی (ایجاد دسترسی گروه‌های مختلف به تکنولوژی‌های ارتباطی، آموزش اینترنت و رایانه به زنان، استفاده از ICT در تصمیم‌گیری، تدوین سیاست و اجرا) بررسی شدند.

شکل (۱) - مدل تحلیلی پژوهش در ساختار تحلیل سلسله مراتبی (منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶).



۴- یافته‌ها و بحث

با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق ضریب ناسازگاری کل مقایسات برحسب هدف در نظر گرفته شده مقدار ۰/۰۰۹ به دست آمد که نشان از سازگاری قضاوت‌های انجام شده داشت. ضریب ناسازگاری تمامی ماتریس‌های مقایسات زوجی تمامی شاخص‌ها و زیر شاخص‌ها نیز کمتر از ۰.۱ بود که نشان از سازگاری و درستی تصمیمات گرفته شده در تمامی سطوح مدل بود. ضریب ناسازگاری و وزن‌های محاسبه شده هر یک از شاخص‌ها و زیر شاخص‌ها با توجه به ماتریس‌های مقایسات زوجی در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

حده (۱) - ضد ناآساگ، ایش هیز نسه نفاذ شاخص هاید شاخص ها

بهد	اروش ووش بهد	اروش ووش تتاهس زور شاخصها	اروش ووش تتاهس زور شاخصها	زور شاخصها	اروش ووش تتاهس زور شاخصها	اروش ووش تتاهس زور شاخصها
بهد اجتهامی	۰/۰۶۴	۰/۰۶۴	۰/۰۶۴	تشویق مشارکت شهروندان	۰/۰۶۲	۰/۰۶۲
				دانشین سیاست عمومی مشارکتی	۰/۰۳۵	۰/۰۳۵
				دانشین بودجه مشارکتی	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸
				حسابت از جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴
				عزیمت‌سازی	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴
				آگاهی بخشی	۰/۰۶۶	۰/۰۶۶
				ترویج خودسازمان‌دهی	۰/۰۶۰	۰/۰۶۰
بهد اجرایی	۰/۰۲۸	۰/۰۲۸	۰/۰۲۸	تکبیر و راسخارنهادی جهت تشویق آن با توانمندسازی	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳
				پاسخگویی مسئولین دولتی	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
				اصلاح سازمان‌های مردم‌نهاد	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
				آموزش جهت توسعه توانمندی‌های گروهها	۰/۰۶۶	۰/۰۶۶
				توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
				انتقال قدرت به دولت محلی	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷
				افزایش تعداد افراد گروهها در مناصب	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳
بهد اقتصادی	۰/۰۶۵	۰/۰۶۵	۰/۰۶۵	فرایم نمودن زمینه انتقال با توجه به شرایط محلی و بومی	۰/۰۶۲	۰/۰۶۲
				برنامهمهای اشتیاری خرد	۰/۰۸۳	۰/۰۸۳
				کنترل زمان بر منابع اقتصادی	۰/۰۸۳	۰/۰۸۳
				تکبیرت نهایی برای تحویل اعتبارات کوچک‌مقیاس	۰/۰۴۵	۰/۰۴۵
بهد حقوقی	۰/۰۶۴	۰/۰۶۴	۰/۰۶۴	قاعده‌مند ساختن تخصیص منابع و ارائه خدمات در بخش‌های مختلف	۰/۰۶۵	۰/۰۶۵
				تکبیرت حامی فقرا در سیاست و قوانین	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶
				مقایسه با بی‌عدالتی یا توزیع غیرقانونی منابع	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷
				ارتقا توانمندی شهروندان در اعمال نظارت بر روی مقامات	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
				جهان‌شمسی در احقاق حقوق و نابرابریها و دگرگون‌سازی روابط با توجه خاص به گروههای در حاشیه	۰/۰۳۶	۰/۰۳۶
				افزایش آگاهی نسبت محیطی از طریق آموزش	۰/۰۴۹	۰/۰۴۹
				یادگیری تمامی در آموزش نسبت محیطی از طریق تجارب دستاویل	۰/۰۶۲	۰/۰۶۲
بهد تکنولوژیکی	۰/۰۶۹	۰/۰۶۹	۰/۰۶۹	استفاده از ابزار و رایانه در آموزش	۰/۰۳۶	۰/۰۳۶
				ایجاد دسترسی گروههای مختلف به تکنولوژی‌های ارتباطی	۰/۰۲۲	۰/۰۲۲
				آموزش اینترنت و رایانه به زنان	۰/۰۶۰	۰/۰۶۰
			استفاده از ICT در توسعه‌گیری- تدوین سیاست و اجرا	۰/۰۲۷	۰/۰۲۷	

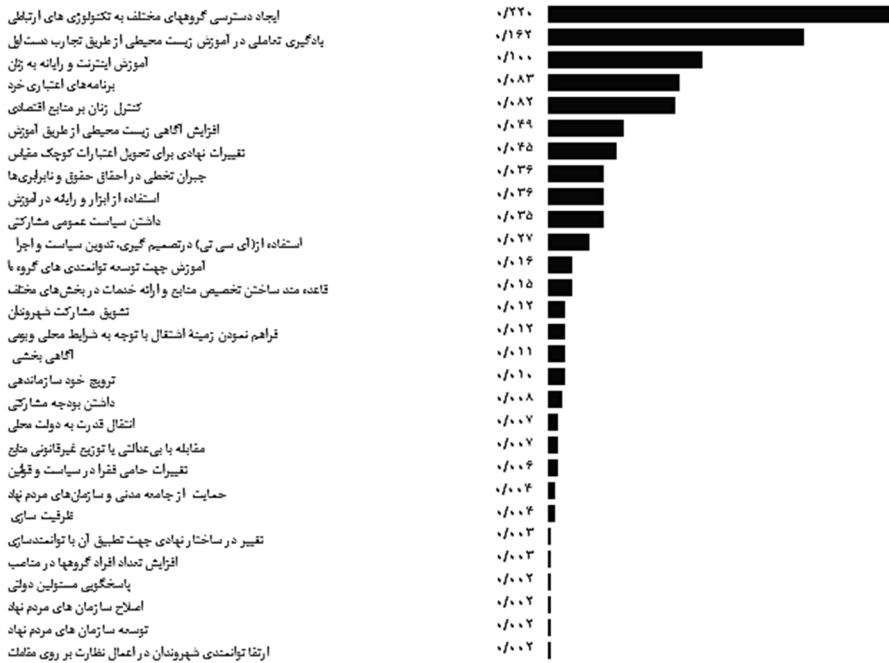
(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

میزان تأثیر وزن نهایی هر یک از زیر شاخص‌ها در قابلیت اجرایی داشتن راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ایران در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که در نمودار به‌وضوح قابل مشاهده می‌باشد؛ ایجاد دسترسی گروه‌های مختلف به تکنولوژی‌های

ارتباطی با امتیاز (۰/۲۲۰)، یادگیری تعاملی در آموزش زیست‌محیطی از طریق تجارب دست‌اول با امتیاز (۰/۱۶۲)، آموزش اینترنت و رایانه به زنان (۰/۱۰۰) در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند که نشان از قابلیت اجرایی داشتن زیاد در سکونتگاه‌های غیررسمی ایران می‌باشند و اصلاح سازمان‌های مردم‌نهاد (۰/۰۰۲)، توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد (۰/۰۰۲)، ارتقا توانمندی شهروندان در اعمال نظارت بر روی مقامات (۰/۰۰۲) در رتبه‌های آخر قرار گرفتند که نشان از اهمیت و تأثیر کمتر این عوامل در اجرایی بودن راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ایران از نظر صاحب‌نظران فعال در حوزه توانمندسازی است. برای درک بهتر میزان اهمیت هر زیر شاخص نسبت به سایر زیر شاخص‌ها، از نظر هر شاخص در رسیدن به هدف کلی امکان‌سنجی اجرای راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، تحلیل حساسیت آن‌ها در شکل شماره ۳ نشان داده شده است.

شکل (۲) - تأثیر وزن نهایی زیر معیارها در امکان‌سنجی راهبرد توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی

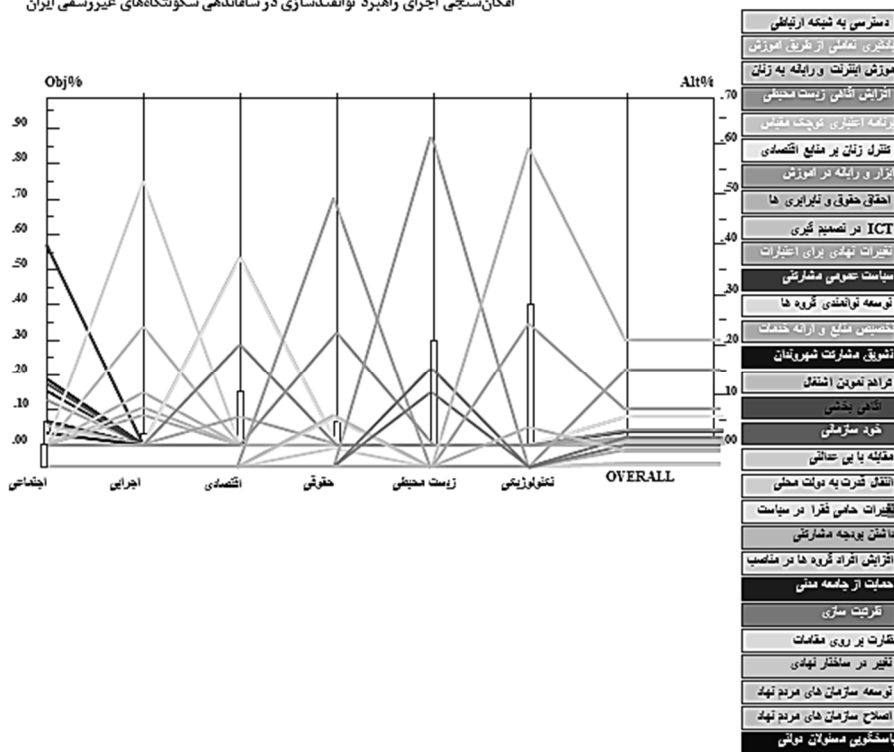
امکان‌سنجی اجرای راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ایران
ضریب ناسازگاری (۲۰۰۹)



(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

شکل (۳) - اهمیت نسبی هر یک از زیر معیار نسبت به سایر معیارها از نظر معیارهای اصلی

امکان‌سنجی اجرای راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ایران



(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

در نهایت وزن نهایی هر یک از شاخص‌ها در قابلیت اجرایی داشتن راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ایران در نمودار شماره ۴ نشان داده شده است. همان‌طور که در نمودار قابل مشاهده می‌باشد؛ بعد تکنولوژی با وزن (۰/۳۹۹)، بعد زیست محیطی با وزن (۰/۲۹۴)، بعد اقتصادی با وزن (۰/۱۵۰)، بعد اجتماعی با وزن (۰/۰۶۴)، بعد حقوقی با وزن (۰/۰۶۴) و بعد اجرایی با وزن (۰/۰۲۸)، به ترتیب در رتبه‌های اول تا ششم قرار دارد. بنابراین با در نظر داشتن عوامل اصلی ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، بر اساس امتیازات کسب شده هر یک از شاخص‌ها و زیر شاخص‌ها؛ راهبرد توانمندسازی آن‌گونه که باید امکان اجرایی شدن داشته باشد، وجود ندارند، چراکه معیارهای با تأثیرگذاری فراوان در رتبه‌های آخر قرار گرفته‌اند

و این عوامل از امکان اجرایی بودن راهبرد توانمندسازی در تمامی سکونتگاه‌های ایران می‌کاهد. بنابراین به نظر نگارندگان تنها ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی که خود ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی دارند؛ در صورت فراهم نشدن امکان ظهور و بروز این توانایی‌ها، نمی‌تواند در بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سایر شرایط مؤثر باشد. چتر حمایتی اولیه دولت، می‌تواند با زیر معیارهایی که برای ابعاد حقوقی و سیاسی اشاره گردید؛ شرایط را برای بروز این توانایی‌های مردم و با فراهم ساختن پیش‌شرط‌ها، قواعد و منابع لازم جهت اجرای این راهبرد در ساختار مدیریتی کشور، بتواند قابلیت اجرایی به خود بگیرد و یا اینکه سیاست‌ها و راهبردهای مؤثر و مناسب و بومی شده را جهت ارتقای این جوامع به کاربرد.

شکل (۴)- اولویت نهایی معیارهای اجرای راهبرد توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با توجه به تأثیر تمامی زیر معیارها

امکان سنجی اجرای راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ایران



Inconsistency = 0.08

With 0 missing judgments

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به مسائل موجود در سکونتگاه‌های غیررسمی و گسترش سریع این سکونتگاه‌ها، وجود راهبرد، سیاست و طرح‌های مؤثر برای ارتقاء این جوامع ضروری به نظر می‌رسد. یکی از این راهبردها همان‌طور که ذکر شد راهبرد توانمندسازی است. پس از بررسی دیدگاه‌ها و رویکردها

و ملاحظات پیشین از راهبرد توانمندسازی که در پژوهش حاضر به صورت کامل بدان پرداخته شد، ذکر گردید که توانمندسازی در سطح جهانی توانسته است به موفقیت‌هایی دست یابد ولی قابلیت اجرای آن در کشور ایران با علامت سؤال روبرو است. لذا امکان‌سنجی اجرای توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، به‌عنوان راهبردی موفق در کشورهای دیگر؛ لازم به نظر رسید، در کشور ایران نیز سنجیده شود تا بتوان با فراهم ساختن پیش‌شرط‌ها و منابع لازم جهت اجرای این راهبرد، ساماندهی و برنامه‌ریزی این سکونتگاه‌ها را تسهیل کرده و باعث افزایش کیفیت زندگی، رفاه انسان‌های ساکن در جغرافیای فرودستان شود یا اینکه سیاست‌ها و راهبردهای مؤثر و مناسب و بومی شده را جهت ارتقای این جوامع به کاربرد.

گریز به پیشینه تحقیق پژوهش حاضر و سایر مطالعات و پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران، حاکی از پذیرفتن این راهبرد به‌عنوان راهبردی موفق و لازم‌الاجرا برای حل مسائل اقشار آسیب‌پذیر و تهی‌دست جامعه می‌باشد اما بدون شناخت امکان عملیاتی‌سازی ابعاد و شاخص‌های توانمندسازی اجرای توانمندسازی با دشواری مواجه می‌شود و همچنین با این شناخت می‌توانیم آسیب‌شناسی و شناخت عوامل مؤثر بر امکان پایین ابعاد و شاخص به‌طور مؤثرتری می‌توانیم فرایند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی را به‌پیش ببریم.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که ابعاد تکنولوژیکی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و شاخص‌های حقوقی و اجرایی به ترتیب بیشترین امکان عملیاتی شدن را در زمینه کشور ایران دارا هستند. می‌توان علت امکان بالای اجرای بعد تکنولوژیکی را کمتر زمان‌بر بودن این بعد، اتکا بیشتر بر ابزار نسبت به نیروی انسانی در این بعد، اولویت دادن دولت و مردم به رشته‌های فنی و مهندسی (به‌طور مثال ر.ک به ماده ۲۱ برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران) و تلقی حاکم از توسعه به‌عنوان امری فنی در جامعه دانست که اینکه نشان از حاکمیت تکنوکراسی در جامعه می‌تواند داشته باشد. که برای اهمیت دادن بیشتر بعد اجتماعی و اقتصادی در روند توسعه می‌توانیم با تحول در نظام آموزشی مبتنی بر حافظه محوری و همچنین کاربردی کردن علوم انسانی و اجتماعی، آگاهی بخشی به شهروندان از طریق رسانه‌ها نسبت به نقش و جایگاه آن‌ها در جامعه و تقویت اهمیت به بعد اجتماعی در مدیریت شهری امکان عملیاتی‌سازی بعد اجتماعی توانمندسازی را تقویت کنیم. اگر بر اساس یک تحلیل ساختار شکنانه بر

اساس دیدگاه ژاک دریدا عمل کنیم ریشه هر بنایی را که نگاه کنیم در خارج از آن بناست و با یک شبیح یعنی عامل یا عوامل آن بنا روبرو هستیم؛ بنابراین، در حوزه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در بعد اجرایی علت امکان کم اجرای این بعد را می‌توانیم در کم‌رنگ بودن فرهنگ کار جمعی و مشارکت در میان مردم، ضعف و تأخیر در توسعه اقتصادی ایران اشاره کرد. برای موانع در خصوص بعد حقوقی نیز می‌توان به جایگاه نه‌چندان ملموس حکمروایی خوب شهری در قوانین خردی همچون قوانین شهرداری‌ها و قانون شوراها، حاکم نبودن پارادایم و فرهنگ مردم محوری در میان مدیران و مسئولان اجرایی که هم موانع اجرایی و هم موانع حقوقی توانمندسازی نیازمند آموزش طولانی‌مدت نسل‌ها، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای مدیران بر اساس رویکرد مردم محور، ایجاد تغییر در قوانین قدیمی جهت انطباق با پارادایم مردم محوری و مشارکت پذیر کردن و تقویت بنیان‌های عدالت گرایانه در این قوانین ذکر کرد. پس‌ازاین تغییر در قواعد حاکم بر جامعه نیاز است تا منابعی نیز در این خصوص اختصاص یابد پس از آن بر اساس طرح آجیل^{۲۲} تالکوت پارسونز برای نیل به هدف توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی لازم است با انطباق^{۲۳}، هدف‌گذاری^{۲۴}، انسجام^{۲۵} و حفظ الگو^{۲۶} توسط مدیران و ذی‌نفعان راه را برای اجرای بهتر توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی تسهیل کرد.

منابع

- ایران‌دوست، کیومرث (۱۳۸۷)، «جایگاه بخش غیررسمی در توانمندسازی اجتماعات فقیر»، **هفت شهر**، شماره ۲۳ و ۲۴، ۴۰-۴۹.
- حکیمی، هادی؛ محمدرضا پورمحمدی، اکبر پرهیزکار، ابوالفضل مشکینی، مهدی پور طاهری (۱۳۹۰)، «ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی ایران: مطالعه موردی جمشیدآباد خوی»، **جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی**، سال بیست و دوم، شماره ۴، ۱۹۷-۲۱۰.

۲۲- AGIL

۲۳- Adaptation

۲۴- Goal Attainment

۲۵- Integration

۲۶- Latency

- دانشجو، خسرو و غلامرضا اسلامی (۱۳۸۹)، اسکان غیررسمی و راهبرد توانمندسازی درونی (توسعه درون‌زا)، **هویت شهر**، شماره سیزدهم، سال هفتم.
- پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۵)، **برنامه‌ریزی مسکن**، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.
- پیری، عیسی و مهدی رضاییان (۱۳۹۳)، «امکان‌سنجی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست‌های دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی مطالعه موردی: سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهر تبریز»، **مطالعات شهری**، دوره ۳، شماره ۱۰.
- پیران، پرویز (۱۳۸۷)، «از اسکان غیررسمی تا اسکان نایابی: در جستجوی راه‌حل»، **هفت شهر**، شماره ۲۳ و ۱۴، ۲۴-۲۹.
- مهندسین مشاور آمایشگران توسعه متوازن (۱۳۸۴)، **طرح ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری در شهر یزد**، یزد.

- Amdam, R. (2011). *Planning health promotion work: An empowerment model*. Routledge, New York.
- Beam, J. (2010). Retrieved Aug/29, 2017, from <http://www.wisegeek.com/what-is-interactive-learning.htm>
- Beck, L., Mendel, T., Thindwa, J. (2007). *The enabling environment for social accountability in Mongolia*. World Bank.
- Beyond Access (2012). *Empowering women and girlrd through ict in libraries, Issue brief*, Retrieve Aug/30, 2017, from <https://digital.lib.washington.edu/researchworks/handle/1773/20926>
- Burgess, R., Marisa ., D. (1997). *Contemporary spatial strategies and urban policies in developing countries*: Borgess Rod & et al.
- Cornwall, A., Brock, K. (2005). *Beyond buzzwords: Poverty reduction, participation, an empowerment in development policy*. UNRISD 10.
- Davis, M. (2006), *Planet of slums*, Verso, Newyork.
- Dijk, J. (2009). *Participation in public policy making*. Second draft complete report, University of Twente.
- Dokeniya, A., (2007). *Enabling open government*. World Bank.
- Domingo, P., O'Neil, T. (2014). «The politics of legal empowerment: Legal mobilization strategies and implication of development», *Overseas Development Institute*, London, Uk.
- Goetz, A., Sen Gupta, R. (1996). «Who takes the credit? Gender power and control over loan use in rural credit programs in Bangeladesh», *World Development*, 24(1), Netherlands.

- Jinchang, L. (1998). «Urban employment guidelines: Employment-intensive participatory approaches for infrastructure investment», *International Labour Organization*, Geneva.
- Lachley, C.(2001). *Empowerment: Hr strategies for service excellence*, Elsevier.
- Lee, J, A, B,. (2001). *The empowerment approach to social work practice: Building the beloved communities*, Columbia University Press.
- Lutterel, C. Quiroz, S. Scrutton, C. Bird ,K. (2009). «Understanding and operationalizing of empowerment», *Overseas Development Institue*.
- Melhem, S., Morrel,C., Tandon, N. (2009). *Information and communication technologies for women's socioeconomic empowerment*, World Bank (working paper NO. 176).
- Mohammadi, H. (2010). «*Citizen participation in urban planning and management: Th Case of Iran*», Shiraz city , Saadi community. Unpublished PhD dissertation, University of Kassel.
- Narayan, D.(2002). *Empowerment and poverty reduction: A source book*, World Bank.
- Nikkhah, H., Redeuzan, M. (2010). «The role of NGOs in promoting empowerment for sustainable community development», *The Journal of Human Ecology*, 30 (2), 85-92.
- Nixon, B. (1994). «Facilitating empowerment in organizations, Leadership & Organization», *Development Journal*, 15, 4, 3-11.
- Open Society Foundation. (2012). **Legal empowerment: An integrated approach to justice and development (Draft working paper)**.
- Oxfam. (1995). *The Oxfam handbook of relief and development*, Oxfam, Oxford.
- Oxall, Z., Baden, S. (1997). «Gender and empowerment: Definitions, approaches and implications for policy». *Institute of Development studies*, Brighton, Uk.
- Pettit, J. (2012). «Empowerment and participation: Bridging the gap between understanding and practice». *Institute of Development Studies*.
- Roy, K., Sideras, J. (2006). *Institutions, globalization and empowerment*. Edward Elgar, Uk.

- Simon, B. L. (1994). *The empowerment tradition in american social work: A History*. New York: Columbia University Press.
- Victor, T. (2009). *The challenges of eradicating informal settlements in south africa by 2014: The case of seraleng sustainable human settlement, Rustenburg local municipality, nort west Province*, unpublished MA thesis, University of the Witwatersrand.
- UNDP (1995). Human development report, Retrived Jan, 2017 from http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/256/hdr_1995_en_complete_nostats.pdf
- UN-Habitat (1987), Executive summary for the global report on human settlements, Aug/28, 2017, from <http://mirror.unhabitat.org/pmss/getElectronicVersion.aspx?nr=1462&alt=1>.
- United Nations (2005). *Gender equality and empowerment of women through ICT*, issue of women 2000 and Beyond.
- United Nations (2009). *Legal Empowerment of the poor and eradication of poverty* Report number A/64/133.
- United Nations. (2013). Report of the Expert Group Meeting on ‘E-Participation: Empowering People through Information Communication Technologies (ICTs)’. United Nations Department of Economic and Social Affairs Division for Social Policy and Development, www.un.org/esa/socdev/egms/docs//2013/ict/final-report-egm-geneva-july2013.pdf.
- World Bank. (2002). *Women’s economic empowerment in latin America and the Carribean*: Policy lessons from the world bank gender action